

مبارزه متحد کمونیست ها برای صلح، پیشرفت اجتماعی و دموکراسی

ENCONTRO INTERNACIONAL DE PARTIDOS COMUNISTAS E OPERÁRIOS
INTERNATIONAL MEETING OF COMMUNISTS AND WORKERS' PARTIES



Lisboa/Portugal, 10 a 12 de Novembro 2006
Lisbon/Portugal, 10th - 12th November 2006



ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۷۵۲، دوره هشتم
سال بیستم، ۲ آذر ماه ۱۳۸۵

در سال های اخیر بود که در سال ۱۹۸۸ در آتن آغاز شد و هر ساله برگزار شده است. هیئت های نمایندگی رهبری ۶۳ حزب برادر در این اجلاس با اهمیت بین المللی که با موضوع محوری "چالش ها و امکانات در اوضاع کنونی جهان، استراتژی امپریالیسم و مسئله انرژی،

شرکت هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران در اجلاس مهم احزاب کارگری و کمونیستی جهان

هشتمین اجلاس سالانه احزاب کمونیست- کارگری جهان، که به میزبانی حزب کمونیست پرتغال در روز های ۱۹ - ۲۱ آبان ماه در شهر لیسبون، پایتخت پرتغال، برگزار شد، از موفق ترین گردهمایی های احزاب برادر

ادامه در صفحه ۴، ۵، ۶ و ۷

زندگی قشرهای میانه حال دشوار تر می شود!

انتشار ضوابط مالی ۱۷ گانه ناظر بر تنظیم بودجه سال آینده، توسط سازمان مدیریت و برنامه ریزی که در آن تصمیمات متعددی در ارتباط با وضعیت شغلی و میزان دستمزد کارمندان کشور شاغل در دواير و سازمان ها و ارگان های مختلف گنجانده شده، سبب پاره ای پرسش های جدی در خصوص منافع و حقوق کارمندان و به طور کلی قشرهای میانه حال جامعه می گردد.

خبرگزاری مهر در تاریخ ۲۱ آبان ماه سال جاری، بخش هایی از این ضوابط مالی را که در بودجه کل کشور برای سال ۱۳۸۶ در نظر گرفته شده را منتشر ساخت. از جمله در رابطه با استخدام نیروی انسانی

ادامه در صفحه ۳

ایجاد فرصت های شغلی یا

- گسترش بیکاری در ص ۲
- بازداشت فعالان سندیکایی در ص ۸
- "نه" محکم مردم آمریکا به بوش در ص ۸
- ابعاد هولناک فاجعه انسانی در عراق در ص ۱۲

حزب توده ایران و انتخابات شوراهای شهر و روستا

بزودی سومین دوره انتخابات شوراهای شهر و روستا، در شرایط ادامه تهاجم وسیع رژیم ضد مردمی ولایت فقیه و دولت برگمارده آن به حقوق و آزادی های بسیار محدود شهروندان، برگزار می شود. حزب ما به هنگام برگزاری نخستین دوره انتخابات شوراهای در کشور، در اسفندماه ۱۳۷۸، و پس از شکست سنگین ولی فقیه و انصارش در انتخابات ریاست جمهوری دوم خرداد ۱۳۷۶، و رای بیست میلیونی توده ها بر ضد استبداد و ادامه حاکمیت تاریک اندیشان، اصل برگزاری انتخابات شوراهای را یک امر تحمیل شده به ارتجاع حاکم و دست آوردی برای جنبش مردمی ارزیابی کرد. تشکیل شوراهای از اصول مهم مندرج در قانون اساسی کشور است که به همت نیروهای مترقی و پیشروی جامعه، از جمله حزب توده ایران، به ارتجاع تحمیل شد و درست به همین خاطر بود که سران رژیم به مدت بیست سال از برگزاری انتخابات شوراهای جلوگیری کردند. نخستین

دوره انتخابات شوراهای شهر و روستا، در شرایط ادامه تهاجم وسیع رژیم ضد مردمی ولایت فقیه و دولت برگمارده آن به حقوق و آزادی های بسیار محدود شهروندان، برگزار می شود. حزب ما به هنگام برگزاری نخستین دوره انتخابات شوراهای در کشور، در اسفندماه ۱۳۷۸، و پس از شکست سنگین ولی فقیه و انصارش در انتخابات ریاست جمهوری دوم خرداد ۱۳۷۶، و رای بیست میلیونی توده ها بر ضد استبداد و ادامه حاکمیت تاریک اندیشان، اصل برگزاری انتخابات شوراهای را یک امر تحمیل شده به ارتجاع حاکم و دست آوردی برای جنبش مردمی ارزیابی کرد. تشکیل شوراهای از اصول مهم مندرج در قانون اساسی کشور است که به همت نیروهای مترقی و پیشروی جامعه، از جمله حزب توده ایران، به ارتجاع تحمیل شد و درست به همین خاطر بود که سران رژیم به مدت بیست سال از برگزاری انتخابات شوراهای جلوگیری کردند. نخستین

ادامه در صفحه ۱۰

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت فقیه!"

ایجاد فرصت شغلی یا گسترش بیکاری

وزیر کار دولت ارتجاع، محمد جهرمی، در ادامه سیاست های ضد کارگری خود، دست به یک رشته اقدامات توأم با تبلیغات عوام فریبانه در سطح وسیع زده است، از جمله در ماه های اخیر به موازات اجرای برنامه هایی که به رواج بیکاری و انعقاد قرار دادهای موقت منجر گردیده، سخن از ایجاد فرصت های شغلی و تقویت پایه های تولیدی به میان آورده است.

جهرمی در جریان جشنواره به اصطلاح تجلیل از کار آفرینان استان یزد خاطر نشان کرد: "آنقدر دستگاه های دولتی بزرگ شده اند که هم اکنون فلسفه کاری آنان فراموش و اداره آنان هدف شده است و ماباید ساختار این دستگاه ها را به هم بریزیم و به دنبال توانمند سازی بخش غیر دولتی باشیم و باید دولت به دنبال رفع موانع و سهل کردن امور باشد و استراتژی اقتصادی را برای رشد این اقتصاد فراهم کند، بخش اعظمی از بیکاری موجود کشور فرهنگی است که در فرهنگ شهر نشینی و نظام آموزشی به وجود آمده و افراد به دنبال کارهای ساده و اداری هستند. کار آفرینان (بخوان تجار عمده و کلان سرمایه داران) محرک توسعه کشور هستند و در صورت حضور آنان کشور ضمن توسعه شاهد جهش های بلندی خواهد بود..."

وزیر کار دولت احمدی نژاد سپس در ادامه افزود: "در برنامه چهارم توسعه سالیانه ۱ میلیون نیروی کار جدید وارد بازار خواهد شد، دولت نهم محور کاری خود را اشتغال جوانان به ویژه اشتغال فارغ التحصیلان قرار داده است و با طرح توسعه بنگاه های کوچک اقتصادی و زود بازده شروع و برای حفظ اشتغال موجود برنامه هایی را اجرا کرده است". چنین موضع گیری هایی ضمن آنکه فاقد پایه عینی و غیر قابل اجرا است، نیات و هدف های اصلی ارتجاع در امور اقتصادی- اجتماعی را نیز به خوبی آشکار می سازد و باید با دقت به آن توجه کرد. در ارتباط با اشتغال زایی مورد ادعای وزارت کار علاوه بر محمد جهرمی، به معاون وی نیز در اواسط آبان ماه امسال تاکید کرده بود که، با توجه به اینکه در طول برنامه چهارم توسعه ۵/۵ تا ۶ میلیون نفر به جمعیت فعال کشور افزوده خواهد شد، دولت هم قصد دارد، هر سال فرصت های شغلی متنوعی تا سقف ۱ میلیون نفر در کشور به وجود بیاورد و تا به حال تسهیلات بانکی را در اختیار کسانی قرار داده که برای تاسیس بنگاه های زود بازده کوچک طرح هایی را ارائه کرده اند. طی چند ماه ۳۶۱ هزار طرح تایید شده است که توانایی ایجاد فرصت شغلی دارند و وام به آنها اعطا خواهد شد.

برخلاف تبلیغات مرتجعان حاکم، چنین طرح هایی ابتکارات "نو" و "خارق العاده ای" نیستند، این گونه طرح ها به اشکال و نام های مختلف در دولت های پیشین جمهوری اسلامی تدوین و اجرا شده و هرگز بیکاری را حل نکرده است. در دوران محمد خاتمی طرحی به نام طرح ضربتی اشتغال تدوین و اجرا شد که نتیجه آن حیف و میل ثروت همگانی بود. وام های اعطایی طرح مذکور نه تنها صرف اشتغال و تقویت تولید نشد، بلکه بخش عمده آن هرگز به خزانه دولت باز فرستاده نشد. طرح وزارت کار و یا بهتر گفته باشیم دولت ارتجاع، از طرح قبلی نیز به مراتب فاجعه بارتر خواهد بود.

به هر جهت، طرح هایی از این دست تنها و تنها به سود لایه های انگلی و غیر مولد جامعه تمام شده و خواهد شد. ماموریت وزیر کار دولت احمدی نژاد در این رابطه اجرای آن سیاست هایی است که این منافع یا کمترین مشکلات تامین شود یعنی منافع تجار عمده و واسطه ها و دلالان! این اقدامات البته با مقاومت و اعتراضات گسترده کارگران و زحمتکشان روبرو است، ولی به دلیل نبود سازمان های مستقل سندیکایی، مقاومت و اعتراض با دشواری و کندی همراه است. در این خصوص خبرگزاری کار ایران ایلنا در تاریخ ۱۹ آبان ماه گزارش داد که، کارگران ایران الکتریک و پارسا رشت اگر به خواست های آنان توجه نشود با پای پیاده و کفن پوش راهی تهران خواهند شد. کارگران این

واحد های تولیدی بین ۵ تا ۸ میلیون تومان طلب دارند. این دو واحد از ۵ سال پیش خصوصی شده و در این مدت مالکیت آن چندین بار دست به دست چرخیده است. کارگران معترض این واحدها به خبرنگاران ایلنا گفتند: "نتیجه خصوصی سازی راهم دیدیم".

خصوصی سازی در دولت احمدی نژاد فقط محدود به واگذاری کارخانجات و واحدهای تولیدی - صنعتی و خدماتی نیست، بلکه به "همت" این دولت ضد کارگری، بسیاری از امکانات فرهنگی، تفریحی که طی سالیان با زحمت و تلاش زحمتکشسان فراهم شده، به بخش خصوصی واگذار می شود. از جمله گروهی از کارگران استان زنجان به طرح واگذاری مجتمع های ورزشی کارگری به بخش خصوصی اعتراض کرده و خواستار توقف این طرح که از سوی وزارت کار تدوین و تهیه شده، گردیدند. یکی از کارگران خبرگزاری ایلنا گفت: "ورزشگاه هایی که با اندوخته های کارگران ساخته می شود، باید مختص آنها باشد. اکنون در زنجان مجمع های ورزشی کارگری در اختیار بخش خصوصی قرار گرفته و کارگران و خانواده هایشان در مراجعه به این مراکز واریه کارت کارگری مورد بی توجهی و بی احترامی قرار گرفته اند، وزارت کار مسئول اصلی این وضعیت است". به این ترتیب دولت نهم و وزارت کار آن نه تنها با خصوصی سازی مخالف نبوده و نیستند بلکه دامنه آن را به همه زوایای زندگی کارگران کشانده اند. در جریان گردهمایی در شهر تبریز از سوی کارگران، یکی از نمایندگان کارگران با صراحت اعلام داشت که، خصوصی سازی در کشور به جای توسعه سبب تعطیلی واحدهای تولیدی شده و هزاران کارگر را به ورطه بیکاری کشانده است. در اثر خصوصی سازی قدرت خرید کارگران کاهش یافته و حتی ارزش پول ملی طی ۱۵ سال گذشته، بیش از ۳۰ برابر کاهش یافته است.

یکی از اقدامات هدفمند وزارت کار در هفته های اخیر، اعلام انحلال کانون عالی کارفرمایان بود. رییس هیئت مدیره کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایی ایران در این خصوص به خبرنگاری ایلنا گفت: "وزارت کار چند روز پیش از زمان برگزاری مجمع عمومی به یک باره اعتبار نامه برخی انجمن های کارفرمایی را رد کرد و تحت عنوان بررسی صلاحیت آنان را از داشتن حق رای محروم کرد بطوریکه ۴۰ انجمن کارفرمایی عضو کانون عالی از داشتن حق رای و شرکت در مجمع عمومی انتخابات محروم شدند. اکثر اعضای هیئت مدیره فعلی در انجمن هایی که توسط وزارت کار محروم شدند، عضویت داشتند و معلوم نیست که به چه دلیل اعضای هیئت مدیره کانون مورد تایید وزارت کار قرار نگرفته اند. حکم وزارت کار مبنی بر انحلال این کانون برخلاف تصمیم مجمع عمومی بوده و بیانگر دخالت آشکار دولت در امور تشکل های صنفی است".

همچنین این مقام کانون عالی انجمن های صنفی کار فرمایی اعلام داشت: "عملکرد یکسال و دوماهه دولت نهم نشان می دهد که دولت قصد دارد با کنار گذاشتن یا حذف تشکل های مدنی عملاً اختیار امور را در دست بگیرد".

اقدام به انحلال کانون عالی کار فرمایان که به طور عمده از کانون های کارفرمایی مرتبط با صنعت و تولید تشکیل می شد حرکتی حساب شده و حلقه ای از زنجیره سیاست های ارتجاع حاکم در راستای تقویت موضع خود در حاکمیت و نیز تحکیم پایه های اجتماعی قدرت خود است.

در مقابل این کانون های صنفی مرتبط با صنایع و تولید که همواره طی یک سال اخیر زبان به انتقاد از سیاست های دولت و وزارت کار می گشودند، وزارت کار همچون گذشته و با رفتاری شبیه به آنچه که با خانه کارگر انجام داد، درصدد تشکیل کانون های کار فرمایی مطیع خود است یعنی تشکل های کار فرمایی ای که با تولید بیگانه و عمدتاً به سرمایه داری تجاری و دلال وابسته هستند.

ادامه زندگی قشرهای میانه حال ...

درصد، لوازم و اثاث و خدمات مورد استفاده در خانه ۵۴/۴ درصد، حمل و نقل ۱۶/۶ درصد، ارتباطات ۴۲/۹ درصد، تحصیل ۲۸/۱ درصد، رستوران و هتل ۱۱/۴ درصد و کالاها و خدمات متفرقه ۲۶ درصد افزایش داشته است. در همین حال، در سال ۸۴ نسبت به سال ۸۳ متوسط هزینه ناخالص تفریح و امور فرهنگی در خانوارها ۳ درصد کاهش نشان می دهد، درصد خانوارهای بدون فرد شاغل و با دو نفر و سه نفر شاغل و بیش تر افزایش یافته است. این آمارها بیانگر چه واقعیتی است؟ افزایش هزینه ها و کاهش دستمزدها به نسبت نرخ تورم یعنی سقوط سطح زندگی اکثریت جامعه ما شامل کارگران، زحمتکشان و قشرهای میانه حال.

حال باید پرسید با حقوق حداقل ۱۵۰ هزار تومان برای یک کارمند، او چگونه می تواند زندگی خود و خانواده خود را تامین نماید؟! چندی پیش دبیر کل سازمان معلمان ایران، اعتراض شدید فرهنگیان کشور به مسکوت ماندن موضوع نظام پرداخت هماهنگی فرهنگیان در مجلس را اعلام داشت و به خبرنگاران یاد آور شد: "روند پرداخت نظام هماهنگی ابهام دارد و اکنون با گذشت ۵ سال از مطرح شدن و یک سال از تصویب گذشتن، هنوز از اجرای آن خبری نیست و زندگی فرهنگیان و دستمزد آنان با دشواری روبرو شده است."

علاوه بر فرهنگیان، چندی پیش معاون نظارت و برنامه ریزی سازمان نظام پزشکی اظهار داشت: "تعیین تعرفه های پزشکی بخش خصوصی از سوی نظام پزشکی و عدم پذیرش و لغو این تعرفه ها توسط هیئت دولت، باعث سردرگمی و سرگردانی پزشکان برای اجرای تعرفه ها شده است. هم اکنون پزشکان نه می توانند بر تعرفه های پزشکی تعیین شده از سوی نظام پزشکی تاکید کنند و نه بر تعرفه های هیئت دولت، باید یک مرجع قانونی به وضعیت بلاتکلیفی در این زمینه رسیدگی کند." سرگردانی پزشکان، بیکاری بخش قابل توجه ای از فارغ التحصیلان پزشکی و مشکلات متعدد فراروی آنان، موجب نارضایتی اکثریت پزشکان از برنامه ها و سیاست های دولت ارتجاع است. از سوی دیگر خبر گزاری فارس در اوایل مهر ماه سال جاری، در خبری اعلام کرد که، اکثریت فارغ التحصیلان رشته مهندسی کشاورزی جذب بخش کشاورزی نشده و درصد بیکاری این مهندسان قابل تامل است. دولت نیز برنامه ای برای سرو سامان دادن به این وضعیت و رسیدگی به درخواست های مهندسان کشاورزی ندارد. در اوایل مهر ماه ده ها تن از مهندسان کشاورزی که اغلب بیکار هستند در برابر وزارت جهاد کشاورزی تجمع اعتراض آمیزی بر پا کردند. شغل و درآمد مناسب خواست اصلی اعتراض کنندگان بود.

کوتاه سخن: برنامه های دولت احمدی نژاد و به طور کلی سمت گیری اقتصادی اجتماعی کنونی رژیم ولایت فقیه، نه تنها میلیون ها تن از کارگران و زحمتکشان کشور، بلکه قشرهای میانه حال جامعه را نیز به ورطه فقر و تنگدستی کشانده است. با ادامه سیاست های کنونی بی شک زندگی بر قشرهای میانه حال دشوارتر از امروز خواهد شد.

اعلام می گردد که، به کارگیری نیروی انسانی از محل های تملک دارایی های سرمایه ای (عمرانی) برای فعالیت های هزینه ای (جاری) ممنوع است.

علاوه بر اینها، بر پایه ضوابط ۱۷ گانه ناظر بر تنظیم بودجه سال آینده، میزان حقوق کارمندان در حد ۱۵۰ هزار تومان تعیین شده است. خبرگزاری مهر تصمیم سازمان مدیریت و برنامه ریزی را در این زمینه چنین انعکاس داد: "بر اساس این ضوابط، میزان حداقل حقوق کارمندان (البته کارمندان سطوح پایین و میانه و نه کارمندان ارشد) در سال ۱۳۸۶ معادل ۱ میلیون و پانصد هزار ریال (۱۵۰ هزار تومان) تعیین شد، همچنین مبلغ قطعی پاداش پایان سال (عیدی) به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید، ولی دستگاه های اجرایی موظفند بابت عیدی به ازای هر شاغل و بازنشسته مبلغ ۱ میلیون و هفتصد و پنجاه هزار ریال (۱۷۵ هزار تومان) پیش بینی نمایند."

تعیین این مبلغ ناچیز برای گروه کثیری از کارمندان کشور که با احتساب خانواده هایشان سر به میلیون ها تن می زند، به معنای کاهش جدی سطح زندگی و قدرت خرید آنان است. رژیم ولایت فقیه و ارگان های تصمیم گیرنده آن نظیر دولت احمدی نژاد، زمانی حداقل حقوق کارمندان را به میزان ۱۵۰ هزار تومان تعیین می کنند که قیمت ها روز به روز افزایش می یابد و نرخ تورم سیر صعودی به خود گرفته است. روزنامه سرمایه به تاریخ ۱۵ آبان ماه به نقل از گزارش اداره آمارهای اقتصادی بانک مرکزی اعلام داشت: "در شهریور ماه سال ۱۳۸۵ نسبت به سال گذشته شاخص بهای فروشی کالاها در ایران بیش از ۱۳۸ درصد رشد یافت" اداره آمارهای اقتصادی بانک مرکزی در گزارش خود از جمله تاکید می کند: "در شهریور ماه سال ۱۳۸۵ نسبت به ماه قبل (توجه کنید فقط در عرض یک ماه) شاخص بهای اقلام و گروه های مختلف به ترتیب، گوشت قرمز ۳/۷ درصد، گوشت مرغ ۵/۶ درصد، ماهی آب های شمال ۳ درصد، تخم مرغ ۲۵ درصد، گندم ۲/۸ درصد، جو تولید داخل ۳/۲ درصد، ذرت ۱۶/۲ درصد و سبزی های تازه ۲۲ درصد، حبوبات ۱/۵ درصد، قند ۲ درصد و چای خارجی ۲/۵ درصد، افزایش پیدا کرده است."

همچنین بانک مرکزی در گزارش رسمی خود تحت عنوان نتایج بررسی بودجه خانوار در مناطق شهری ایران، خبر افزایش چشمگیر هزینه ناخالص خانوارهای شهری کشور به میزان ۱۳/۹ درصد می دهد. محتوی این گزارش نشانگر سقوط سطح زندگی اکثریت مردم میهن ما و وضعیت ناگوار معیشت آنان است.

در این گزارش آمده است: "متوسط هزینه ناخالص سالانه یک خانوار شهری در سال ۱۳۸۴ نسبت به سال ۱۳۸۳، ۱۳/۹ درصد افزایش نشان می دهد. در سال ۱۳۸۴ نسبت به سال قبل هزینه دخانیات ۶/۲ درصد، هزینه پوشاک و کفش ۱۳/۵ درصد، مسکن، آب و برق، گاز و سایر سوخت ها ۱۴/۶



مشاهده کرد.

رفیق جولیتا وازاگویی از حزب کمونیست متحد گرجستان در سخنرانی خود به مسئله انرژی و کوشش های امپریالیستی برای کنترل منابع نفت و گاز پرداخت. او از جمله اشاره کرد که، به دلیل نیاز فزاینده و عطش سیری ناپذیر کشورهای امپریالیستی به نفت، از هم اکنون در منطقه قفقاز و آسیای مرکزی مجموعه ای از درگیری ها در حال غلیان است. رفیق گرجی اظهار داشت که در حالی که همه چشم ها متوجه عراق و افغانستان است، ایالات متحده کنترل نظامی و اقتصادی خود در منطقه قفقاز را گسترش داده است. هدف کلیدی آمریکا تضمین مسیرهای صدور منابع نفت و گاز آسیای مرکزی است که از ایران و روسیه نگذرند.

رفیق وازاگویی در رابطه با خطوط لوله باکو-تفلیس-جهان که قرار است نفت و گاز حوضه های منطقه دریای خزر را به بازارهای غرب منتقل کنند، اظهار داشت: "نیروهای نظامی ایالات متحده و ناتو مواضع خود در همه کشورهایی که خطوط لوله از مسیر آن ها می گذرند و یا اینکه نفت و گاز تولید می کنند، تحکیم کرده است. رابرت سیمونز، نماینده ویژه ناتو در جنوب قفقاز و آسیای مرکزی تاکید کرده است که ناتو به طور فعال به دولت های محلی در تعلیم و آموزش نیروهای نظامی شان برای حفاظت از خط لوله در مقابل حملات تروریستی و یا هرگونه حمله دیگری کمک خواهد کرد. دبیر کل ناتو در همین رابطه اعلام کرده است که یک هدف کلیدی ناتو حفظ "ثبات و امنیت" در منطقه خواهد بود. رفیق گرجی در ادامه سخنان خود فاش کرد که به موازات تخلیه پایگاه های نیروهای روسی در گرجستان دو سال قبل از موعد مقرر در موافقتنامه های بین دو کشور، نیروهای ناتو جایگزین آن ها می شوند، امری که عملاً در همه کشورهای قفقاز به غیر از ارمنستان صورت گرفته است. او تاکید کرد که در سراسر منطقه، ایالات متحده سعی دارد با مداخله مکارانه و پشت پرده در درگیری های بین قومی حضور خود را توجیه کند و یک حصار امنیتی قابل دوام برای "منافع" خود ایجاد کند." سخنرانی نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران حول محور های عمده خطرات ناشی از نظامی گری امپریالیسم برای استقلال و توسعه دموکراتیک کشورها، و مبارزه خلق ها برای در پیش گرفتن نظامی عادلانه، دموکراتیک، ترقی خواهانه و صلح آمیز که در آمریکای لاتین نمونه های موفق از آن را شاهد بوده ایم، و سهم و شرایط مبارزه نیروهای مترقی برای صلح و پیشرفت و چالش های فراروی آن متمرکز بود. او در بخشی از سخنرانی خود اظهار داشت: "یکی از مشخصه های جهان امروز گسترش جنگ، نظامی گری، تروریسم، استثمار، فقر و گرسنگی است و مهم است که ارتباط ذاتی بین این عواقب فاجعه بار غلبه سرمایه داری در جهان امروز را بشناسیم.

ادامه مبارزه متحد کمونیست ها ...

مبارزه خلق ها و تجربه آمریکای لاتین، دورنمای سوسیالیسم برگزار می شد، شرکت کردند.

با توجه به شرایط جهانی و از جمله بحران ناشی از کوشش ایالات متحده برای نظامی تر کردن روابط بین المللی، رقابت های امپریالیستی برای دستیابی و کنترل منابع انرژی، و از سوی دیگر مبارزه موفقیت آمیز مردم آمریکای لاتین در عقب راندن نیروهای مدافع نو لیبرالیسم در تعدادی از کشورهای این منطقه، اجلاس اسامال احزاب برادر اهمیت بیشتری پیدا کرده بود.

هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران، به دعوت حزب کمونیست پرتغال و کمیته تدارک، همچون ۷ اجلاس گذشته فعالانه در این اجلاس شرکت کرد، و هیئت های نمایندگی احزاب برادر را در جریان تحولات مهم و حساس در کشور و آخرین تحلیل های حزب قرار داد.

اجلاس جهانی سالانه احزاب برادر، کار خود را با سخنرانی رفیق "جرونیمو دو سوسا"، دبیرکل حزب کمونیست پرتغال، آغاز کرد. رهبر کمونیست های پرتغال در سخنرانی افتتاحیه اجلاس در رابطه با اهمیت آن اظهار داشت: "این جلسات به نیاز برای تبادل مرتب اطلاعات و نظر در باره تحول وضعیت در کشورهای مان و اوضاع جهان پاسخ می دهد، نیازی که قویاً در تحول اوضاع جهانی جنبه های بغرنجی به خود می گیرد؟؟؟ و با میزان بالایی از عدم ثبات و عدم اطمینان همراه است. ما که اهمیت فراوانی برای روابط متقابل قائلیم، به طور همزمان فکر می کنیم که لحظاتی نظیر این نه فقط به لحاظ تعمیق درک و تحلیل مان، بلکه همچنین بمنظور تعیین گرایش های عمده تحولات اوضاع بین المللی در چهارچوب تهاجم چند جانبه امپریالیسم فرصت های ذی قیمتی هستند."

در ادامه، هیئت های نمایندگی احزاب شرکت کننده در اجلاس نقطه نظرهای تحلیلی خود در رابطه با موضوع مرکزی اجلاس را با اشاره به جنبه های کلیدی تحولات کشورهای متبوع خود و اوضاع جهان ارائه دادند. مسائل محوری مورد اشاره در اکثر این گزارش ها بحران کنونی سرمایه داری، رقابت بر سر کنترل منابع انرژی و ماهیت جنگ طلب امپریالیسم بود.

گنادی زیوگانف، صدر حزب کمونیست فدراسیون روسیه، در سخنرانی خود موضوع های بهم پیوسته بحران سرمایه داری، نظامی گری، رشد گرایش های ضد کمونیستی در سرمایه داری حاکم، و ضرورت تعمیق همبستگی بین المللی را مورد توجه قرار داد. رفیق زیوگانوف در بخشی از سخنرانی مهم خود اظهار داشت: "سیستم سرمایه داری در کشورهای پیشرفته مانند آمریکا، ژاپن و آلمان در آستانه یک بحران سراسری قرار دارد. این سیستم، در شکل فعلی خود، به سرعت و به صورت اجتناب ناپذیری سیاره ما را به سوی نابودی منابع طبیعی و یک فاجعه اکولوژیکی [بوم شناختی] جهانی سوق می دهد. برای حفظ دوام هستی خود، "میلبرد طلایی؟؟" به منظور دستیابی به منابع تحت مالکیت کشورهای دیگر، یک سری جنگ های لجام گسیخته را آغاز کرده است. زوال جوامع غربی با شدت هرچه بیشتری در پیش است. این زوال را می توان در زوال خانواده، پیوند اخلاق و ارزش های معنوی، و رشد خشونت و جنون شرارت و هرزگی



بوده است، در ضیافت شام شورای شهر و سپس در جشن با شکوه همبستگی بین المللی شرکت کردند. رفیق "دو سوسا" در این گردهمایی که هزاران عضو سازمان جوانان حزب با پرچم های سرخ در آن شرکت داشتند و نمایندگان احزاب کمونیست فدراسیون روسیه، کوبا، آفریقای جنوبی و لبنان در آن پیام های کوتاه همبستگی خو را ارائه دادند، سخنرانی مفصلی تحت عنوان "حزب کمونیست پرتغال-۸۵ سال همبستگی با خلق های در حال مبارزه" ایراد کرد.

اجلاس در آخرین روز بیانیه های مشترک و از جمله "فراخوان برضد نظامی گری و جنگ، و در دفاع از آزادی، دموکراسی، صلح و پیشرفت اجتماعی"، "در همبستگی با کوبا و آمریکای لاتین"، "فراخوان در حمایت از مبارزه در دفاع از آزادی های دموکراتیک، و در مخالفت با راست افراطی، گرایش های نژادپرستانه و آنتی کمونیسم"، "بیانیه همبستگی با خلق های فلسطین و لبنان" را مورد بررسی و تأیید قرار داد، و قرار های ضرور برای برگزاری موفق اجلاس بعدی را که مقارن با جشن های نودمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر خواهد بود، اتخاذ کرد.

در جریان این اجلاس سه روزه و در حاشیه بحث ها، هیئت نمایندگی حزب توده ایران نشست های سودمندی با رهبری حزب کمونیست پرتغال، حزب کمونیست فدراسیون روسیه، حزب کمونیست لبنان، حزب کمونیست سوریه، حزب کمونیست عراق، جبهه آزادی بخش بحرین، حزب کمونیست ایالات متحده و تعداد دیگری از احزاب حاضر در اجلاس انجام داد و در باره روابط متقابل و همچنین شرایط پیچیده و خطرناک خاورمیانه و خطراتی که صلح منطقه را تهدید می کند، به تبادل نظر پرداخت.

بیانیه مطبوعاتی نشست سالانه احزاب کمونیست - کارگری جهان در لیسبون، پرتغال؛ ۱۹ تا ۲۱ آبان ۸۵

در روزهای ۱۹، ۲۰ و ۲۱ آبان ماه ۱۳۸۵ نشست بین المللی احزاب کمونیست - کارگری تحت عنوان "چالش ها و امکانات در اوضاع کنونی جهان، استراتژی امپریالیسم و مسئله انرژی، مبارزه خلق ها و تجربه آمریکای لاتین، دورنمای سوسیالیسم" در لیسبون، پرتغال،

ادامه در صفحه ۶

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

ادامه مبارزه متحد کمونیست ها ...

حضور و عملکرد نیروها و پایگاه های نظامی آمریکا هزاران کیلومتر دور از سواحل آمریکا صلح، امنیت و زندگی عادی جوامع و استقلال کشورها در جهان را به خطر انداخته است. ایالات متحده سالانه ۶۰۰ میلیارد دلار صرف هزینه ماشین نظامی خود می کند، و مجموعه ای عظیم از سلاح های هسته ای، شیمیایی و مدرنترین سلاح های متعارف را برای تحمیل طرح های تسلط طلبانه و دیکتاتوری خود بر کشورها و مناطق سراسر جهان در خدمت دارد. و این در زمانی است که تعداد کثیری از مردم جهان از گرسنگی، فقر و عدم توسعه ناشی از نظم اقتصادی ای که از سوی امپریالیسم آمریکا تحمیل شده، رنج می برند... تاریخ نشان داده است که عطش سیری ناپذیر ایالات متحده آمریکا به نفت و گاز (انرژی) مستقیم و غیر مستقیم در نابودی روند ها و جنبش های مترقی و دموکراتیک در خاورمیانه نقش داشته است. با در نظر گرفتن اینکه مدل اقتصادی حاکم در آمریکا نیازمند دسترسی به منابع بیشتری انرژی است، لذا می توان انتظار داشت که حضور آمریکا در منطقه خاورمیانه همچنان مخرب باشد.

خاورمیانه منطقه ای است که بخاطر دهه ها تسلط امپریالیستی و دیکتاتوری به فقر کشیده شده است و اکنون صحنه اصلی به اصطلاح "جنگ بر ضد ترور" است. تمایلات ضد امپریالیستی توده های خاورمیانه را مستقیم و غیرمستقیم به سوی مبارزه ای که از نظر شکل و محتوی تحت نفوذ نهاد های مذهبی اند، متمایل می سازد. برای مثال نقض غیرانسانی قوانین بین المللی از طرف ایالات متحده به شخصیت های ارتجاعی نظیر محمود احمدی نژاد کمک می کند که خود را به عنوان یک چهره ای ضد امپریالیست جا بزنند. در خاورمیانه ارثیه شوم سرکوب نیروهای مترقی مجال داده است تا نیروهای غیر دموکراتیک که گرایش های تئوکراتیک و ارتجاعی دارند، از احساسات ضد آمریکایی مردم سوء استفاده کنند. دینامیسم فعل و انفعال بین ارتجاع داخلی و فشار های امپریالیستی از خارج خطری است که می تواند به عواقب مخرب و فاجعه آمیز در منطقه و جهان بینجامد.

برای ما مبارزه بر ضد امپریالیسم، نظامی گری و جنگ همراه با مبارزه برای آزادی، دموکراسی، حقوق زنان، و عدالت اجتماعی برای مردم زحمتکش و محروم و کوشش برای ساختمان جهانی فارغ از استثمار است. مبارزه ما در گروهی گسترش مبارزه مردم زحمتکش و برپایی جنبش توده ای برای یک نظم جهانی جایگزین است و نه طریق ماجراجویی نظامی و یا عملکرد تروریستی.

اجلاس احزاب کمونیست - کارگری جهان به منظور مبارزه در راه دفاع از آزادی های دموکراتیک، علیه پیشروی راست افراطی، برضد بیگانه هراسی، تبعیض نژادی، تاریک اندیشی و جزمی گری دینی، و بر ضد کمونیسم ستیزی، فراخوان مهمی صادر کرد. شرکت کنندگان اجلاس همبستگی خود را با اتحادیه جوانان کمونیست جمهوری چک اعلام کردند، و خواستار بازگرداندن حقوق قانونی آن شدند، و هر گونه تلاشی را برای مجرم شناختن ملت ها و نیروهایی که در برابر استثمار سرمایه داری و سرکوب امپریالیستی مقاومت می کنند، محکوم کردند.

هیئت های نمایندگی احزاب شرکت کننده در اجلاس، در پایان روز دوم بحث های خود، به دعوت شهردار شهر آلمادا، که شورای شهر آن در ۳۲ سال گذشته تحت کنترل حزب کمونیست پرتغال

ادامه مبارزه متحد کمونیست ها ...

بر گزار شد.

در این نشست ۶۳ حزب شرکت داشتند، و ۱۷ حزب هم که به دلایل مختلف نتوانسته بودند حاضر شوند، پیام های شادباش فرستادند. محور اصلی بحث های نشست، بررسی مطرح ترین جنبه های وضعیت بین المللی بود. علاوه بر دادن هشدار جدی در ارتباط با خطرات بزرگی که دوران ما را تهدید می کند، نشست اطمینان خود را نسبت به توانایی خلق ها برای به عقب راندن امپریالیسم از برنامه های برتری طلبانه اش و دستیابی به پیشروی های تازه در راه ترقی اجتماعی، صلح و سوسیالیسم ابراز کرد. نشست به حادث شدن مبارزه طبقاتی اشاره کرد و بر ضرورت تشدید مبارزه برضد نو لیبرالیسم و نو استعمار و پیکار با تعرض استثمار سرمایه های بزرگ که به ابتدایی ترین ارزش های بشری دستبرد می زند و مسئول پس رفت های اجتماعی، فرهنگی و دموکراتیک است، تأکید کرد. بر این مطلب تأکید شد که نو لیبرالیسم، نظامی گری، جنگ و حمله به حقوق، آزادی ها و ضمانت های بنیادی، اجزای جدایی ناپذیر تعرض امپریالیسم و سرمایه های بزرگ است. مبارزه برای تسلط بر منابع انرژی کره زمین و کنترل کردن مسیرهای توزیع انرژی عاملی است مهم در سیاست های جغرافیایی (ژئوپولیتیک) امپریالیسم، چه از لحاظ همکاری و چه از لحاظ رقابت با دیگران، همان طور که در اروپا، خاورمیانه، آسیای مرکزی، آفریقا و مناطق دیگر جهان به روشنی دیده می شود. هم زمان، شرکت کنندگان در این نشست ائتلاف منابع انرژی را بر اثر مصرف بی رویه ای که مشخصه جوامع سرمایه داری است، تقبیح و نکوهش کردند.

نشست به ضرورت هایی اشاره کرد که از آن جمله اند: تشدید مبارزه با نظامی گری و جنگ؛ بیرون رفتن نیروهای اشغال گر از افغانستان و عراق؛ انحلال ناتو (سازمان پیمان آتلانتیک شمالی) و دیگر پیمان های نظامی متجاوز؛ کاهش شدید هزینه های تسلیحاتی و استفاده از این منابع مالی در راه رشد و توسعه؛ از میان بردن پایگاه های نظامی خارجی. بار دیگر فوریت و ضرورت منظور کردن موضوع خلع سلاح، و به ویژه خلع سلاح هسته ای، در دستور کارها مورد تأکید قرار گرفت. مسئله عمومیت یافتن حمله و تجاوز برضد حقوق، آزادی ها و ضمانت های بنیادی شهروندان به عنوان روندی نگران کننده در وضعیت بین المللی، مورد توجه جدی قرار گرفت. در پیش گرفتن شیوه های شکنجه و تروریسم دولتی از سوی کنگره آمریکا محکوم شد.

شرکت کنندگان در نشست، برای مبارزه در راه دفاع از آزادی های دموکراتیک، بر ضد پیشروی راست افراطی، برضد بیگانه هراسی، تبعیض نژادی، تاریک اندیشی و جزمی گری دینی، و علیه کمونیسم ستیزی فراخوان دادند. شرکت کنندگان همبستگی خود را با کمونیست های جوان چک اعلام کردند، و خواستار بازگرداندن حقوق اتحادیه جوانان کمونیست چک شدند، و هر گونه تلاشی را برای مجرم شناختن ملت ها و نیروهایی که در برابر استثمار سرمایه داری و سرکوب امپریالیستی مقاومت می کنند، محکوم کردند.

شرکت کنندگان مقاومت رشد یابنده در برابر تجاوز و مداخله

امپریالیستی را تحسین، و بر اهمیت تحکیم و تقویت همبستگی با همه خلق هایی که در جبهه مقدم این پیکار هستند، تأکید کردند. شرکت کنندگان همچنین چشمگیر بودن مقاومت شدیدی را که نیروهای اشغالگر ناتو و آمریکا در افغانستان و عراق با آن رو به رو هستند، برجسته کردند. تهدید بر ضد سوریه و ایران، که به ویژه در چند روز گذشته جدی تر و شدید تر شده است، محکوم شد. نشست خواستار احترام کامل به استقلال لبنان شد. شرکت کنندگان جنایت هایی را که اسرائیل در لبنان و فلسطین مرتکب شده است، و نیز همدستی اتحادیه اروپا با ایالات متحده آمریکا را، که مسئول سرکوبی و فاجعه های دهشتناک بشری در نوار غزه و کرانه غربی است، تقبیح و محکوم کردند. شرکت کنندگان حمایت خود را از مبارزه برای بیرون کشیدن کامل نیروهای اسرائیلی از سرزمین های عربی اشغال شده در سال ۱۹۶۷، مطابق با قطعنامه های مربوطه سازمان ملل متحد، و نیز همبستگی فعال خود را با سازمان آزادی بخش فلسطین و مردم فلسطین در پیکارشان در راه برقراری دولت خود مختار و مستقل خودشان در سرزمین فلسطین اعلام کردند.

تجربه ملموس مبارزه در کشورها و مناطق مختلف در گفته های شرکت کنندگان دیده شد، که بیانگر آن است که کارگران و مردم تسلیم نمی شوند، و این که حتی در شرایط کنونی هم پیشروی های رهایی ساز به سوی استقلال و پیشرفت اجتماعی امکان پذیر است. نشست به دستاوردهای مبارزه های مردمی و ضد امپریالیستی ای که آمریکای لاتین را در بر گرفته است، و به روند استقلال طلبی و همکاری و همبستگی ای که در آنجا در جریان است، درود فرستاد. با کوبای سوسیالیستی ابراز همبستگی شد و بر خواست پایان دادن به تحریم تبه کارانه ای که از سوی آمریکا بر این کشور تحمیل شده است مجدداً تأکید شد. شرکت کنندگان همچنین همبستگی خود را با مردم ونزوئلا و انقلاب بولیواری آنها، با مردم بولیوی و با دیگر ملت های آمریکای لاتین و منطقه کاراییب اعلام کرد.

واقعی و مبرم بودن سوسیالیسم به طور کلی مورد تأکید قرار گرفت. در جریان مبادله نظرات در این نشست، ناتوانی سرمایه داری در ارائه راه حل برای مشکلات مبرمی که ملت ها و کارگران با آن رو به رو هستند، و این که آینده کره زمین در معرض تهدید های سرمایه داری قرار دارد، به نحو بارزی نشان داده شد. سوسیالیسم به طور فزاینده ای به عنوان جایگزینی برای سرمایه داری و شرط و ضامن بقای نوع بشر، مطرح شد. بر این امر تأکید شد که وضعیت خاص بین المللی در حال حاضر، نشان دهنده ضرورت تقویت همکاری همه نیروهای ضد امپریالیستی و مترقی، و به ویژه احزاب کمونیست و کارگری دنیا است. به همین لحاظ، برگزاری این چنین نشست هایی، به عنوان عرصه ای برای تبادل اطلاعات، تجربه، و نقطه نظر ها، و برای تعریف مواضع و ابتکارهای مشترک ممکن، بسیار با ارزش تلقی شد. اهمیت تضمین تداوم چنین گردهمایی هایی مورد توجه قرار گرفت.

مقوله ها، ابتکارها و خط مشی های گوناگونی برای گسترش همبستگی و عمل مشترک احزاب کمونیست و کارگری، و دیگر نیروهای انقلابی و مترقی، پیشنهاد شد، از جمله:

برضد نظامی گری و جنگ، و به ویژه برای بیرون بردن نیروهای اشغالگر از عراق؛

برای انحلال ناتو و از میان بردن پایگاه های نظامی خارجی؛

بر ضد استراتژی امپریالیستی در خاورمیانه و برای همبستگی فوری با مردم فلسطین و فرستادن هیئت های همبستگی به فلسطین و لبنان؛

ادامه مبارزه متحد کمونیست ها ...

حزب کمونیست بولیوی
 حزب کارگران کمونیست بوسنی و هرزه گوین
 حزب کمونیست برزیل
 حزب کمونیستی برزیل
 حزب کمونیست بریتانیا
 حزب کمونیست نوین بریتانیا
 حزب کمونیست کانادا
 حزب کمونیست شیلی
 حزب کمونیست چین (شرکت کننده ناظر)
 حزب کمونیست کلمبیا
 حزب کمونیست کوبا
 حزب زحمتکشان مترقی قبرس (آکل)
 حزب کمونیست بوهم و موراوی
 حزب کمونیست دانمارک
 حزب کمونیست فنلاند
 حزب کمونیست فرانسه (شرکت کننده ناظر)
 حزب کمونیست مقدونیه
 حزب کمونیست متحد گرجستان
 حزب کمونیست آلمان (DKP)
 حزب کمونیست یونان
 حزب کارگران مجارستان
 حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست)
 حزب کمونیست هندوستان
 حزب توده ایران
 حزب کمونیست عراق
 حزب کارگران ایرلند
 حزب رفونداسیون کمونیست [ایتالیا]
 حزب کمونیست های ایتالیا
 حزب خلق انقلابی لائوس
 حزب سوسیالیستی لتونی
 حزب کمونیست لبنان
 حزب کمونیست لوگزامبورگ
 حزب کمونیست مالت
 حزب کمونیست های مکزیک
 حزب سوسیالیست مردمی مکزیک
 حزب کمونیست نوین هلند
 حزب کمونیست نروژ
 حزب کمونیست پرو (پاتریا رویا)
 حزب کمونیست پرویی
 حزب کمونیست پرغال
 حزب کمونیست فدراسیون روسیه
 حزب کارگران کمونیست روسیه
 حزب کمونیست های روسیه
 حزب کمونیست نوین یوگسلاوی
 حزب کمونیست اسلواکی
 حزب کمونیست آفریقای جنوبی
 حزب کمونیست اسپانیا
 حزب کمونیست خلق اسپانیا

همبستگی با بولیوی و ونزوئلا بولیواری و کوبای
 سوسیالیستی، و برنامه ریزی در راه برگزاری هفته اقدام
 مشترک همبستگی با این کشور؛

بر ضد رویزونیسم تاریخی، عیب پوشی کردن از
 فاشیسم، کمونیسم ستیزی، و برجسته کردن رخدادهایی
 مثل ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۳ در شیلی [روزی که سالوادور آلنده،
 رئیس جمهوری منتخب شیلی با کودتای آمریکایی
 سرنگون شد]؛

بر ضد تهاجم نو لیبرالیسم با هدف از میان بردن
 دستاوردها و حقوق کارگران؛ در راه تقویت اقدام های
 جمعی و جنبش های اتحادیه ای طبقاتی و در دفاع از
 کارگران مهاجر؛

بهره گیری از مشارکت در رویدادهای بین المللی به
 منظور برگزاری نشست ها و گردهمایی ها و هماهنگ
 کردن فعالیت کمونیست ها؛

برانگیختن و تشویق همکاری های منطقه ای حول
 موضوع های مشخص، بین احزاب برادر.

اهمیت برخورد آرا در دوران ما مورد توجه خاص
 نشست قرار گرفت. شرکت کنندگان همچنین بر اهمیت

برجسته کردن نودمین سالگرد انقلاب اکتبر و به کار
 گیری ابتکارهای گوناگون در این راه تأکید کردند، و
 حمایت خود را از برنامه برگزاری رویداد بین المللی در
 بزرگداشت انقلاب اکتبر در فدراسیون روسیه اعلام کرد.

حزب کمونیست پرغال قصد خود را برای به راه انداختن
 یک جریان بین المللی، و در سطح اروپا، در رابطه با
 ریاست کشور پرغال بر اتحادیه اروپا، که در نیمه دوم
 ۲۰۰۷ آغاز خواهد شد، به اطلاع نشست رساند.

تاریخ، محل و محور اصلی نشست بین المللی ۲۰۰۷ را
 کمیسیون کاری احزاب کمونیست - کارگری که در
 موعد مقرر جلسه تشکیل خواهد داد تعیین خواهد کرد، و
 در یک بیانیه مطبوعاتی به اطلاع همگان خواهد رساند.

این نشست "فراخوان بر ضد نظامی گری و جنگ،
 برای آزادی، دموکراسی، صلح و پیشرفت اجتماعی" و
 "طرح همبستگی با آمریکای لاتین و کوبا" را تصویب
 کرد.

احزایی که نام آنها به پیوست این بیانیه مطبوعاتی آمده
 است، در این نشست شرکت داشتند.

لیسبون، ۲۱ آبان ۱۳۸۵

احزاب شرکت کننده در نشست لیسبون، ۱۹ تا
 ۲۱ آبان ۱۳۸۵

حزب دموکراسی و سوسیالیسم الجزایر
 حزب کمونیست آرژانتین
 حزب کمونیست استرالیا
 جبهه مردمی مترقی دموکراتیک بحرین
 حزب کارگران بلژیک

بازداشت فعالان سندیکایی، بخشی از توطئه ارتجاع بر ضد زحمتکشان

“نه” محکم مردم آمریکا به سیاست های بوش!

در روز ۱۶ آبان ماه (۷ نوامبر)، مردم آمریکا مصمم و خشمگین از سیاست های مخرب دولت بوش، به ویژه در رابطه با جنگ عراق، نظامی گری، فساد و زیر پا گذاشتن حقوق انسانی، به پای صندوق های رای رفتند و در نهایت، به دوازده سال تسلط جمهوری خواهان بر مجلس نمایندگان و سنای آمریکا پایان دادند. در کنگره آمریکا نیز دمکرات ها با کسب کرسی های لازم، اکثریت را به دست گرفتند.

نتیجه انتخابات اخیر قبل از اینکه رای مردم به سیاست ها و برنامه حزب دمکرات باشد، رد محکم و مشخص سیاست های ضد انسانی دولت نو محافظه کاران به رهبری بوش است، سیاست هایی که به رغم اعتراض های مردمی در سراسر جهان و آمریکا، بدون وقفه در طول شش سال گذشته همه عرصه های زندگی مردم آمریکا را به شکل خشنی تحت تأثیر قرار داده است. ادامه جنگ در افغانستان و عراق، همه روزه، نه تنها تعداد بی شماری کشته و زخمی از خود بر جای می گذارد و منطقه ای متشنج و پر آشوب را ایجاد کرده است، بلکه فشار اقتصادی کمر شکنی را بر مردم آمریکا نیز تحمیل می کند: یعنی هزینه ی نظامی سرسام آور و روز به روز فزاینده بی که بار آن بر دوش مردم عادی این کشور است اما منافع آن از طریق قرارداد های عظیم تسلیحاتی و بازسازی کشورهای جنگ زده به جیب کلان سرمایه داران آمریکائی سرازیر می شود.

در پی این انتخابات، حزب دمکرات پیروزی خود را جشن گرفت و سریعاً به برگماری مهتره های خود برای مشارکت در ارگان های مقتنه ایالات متحده پرداخته است. شکست سخت حزب جمهوریخواه در این انتخابات در برخی محافل ساده اندیش این توهم را به وجود آورده است که با این پیروزی دمکرات ها جنگ عراق پایان خواهد یافت (آنچه که دمکرات ها در کارزار انتخاباتی بر محور آن تبلیغات وسیعی کردند)، فساد پایان می پذیرد و به رفتار غیر انسانی با مخالفان در بند، به ویژه علیه منتهمان به تروریسم در پایگاه های مخصوص شکنجه، خاتمه داده می شود. اما این ها تنها می تواند محصول ساده باوری باشد. برپایه سیاست های شناخته شده از حزب دمکرات و تاریخ عملکرد سیاسی واقعی آن، تحقق چنین برنامه هایی غیر ممکن می نماید و می توان گفت که در اساس تغییر جدی ای در سیاست های ایالات متحده در این عرصه ها صورت نخواهد گرفت. حقیقت این است که در چند سال اخیر “دموکرات” ها، هیچ گاه بر ضد اشغال غیر قانونی عراق و افغانستان، موضع نگرفته اند، مخالفتی با تشکیل سازمان های نظامی خصوصی نداشته اند و در مسئله ی “مبارزه با تروریسم”، پس از حادثه ی ۱۱ سپتامبر، سیاست متفاوتی با جرج بوش اعلام نکرده اند. هر چند که تفاوت های مشخصی میان دمکرات ها و جمهوری خواهان در آمریکا وجود دارد، با این حال سیاست “امنیت ملی” جرج بوش، ادامه دهنده ی همان نسخه هایی است که دولت کلینتون در اواسط ۱۹۹۰ بر پایه ی استراتژی مبارزه با کشورهای یاغی، تهیه دیده بود.

رشد نظامی گرائی در جهان که در برنامه های هر دو حزب وجود دارد امری حیاتی برای سرمایه داری آمریکا محسوب می شود که از طریق آن در تعقیب هدف های بزرگتری است. مسئله ی “خاور میانه ی بزرگ” در حال حاضر، هدف کلیدی هر دو حزب است و می توان گفت، تحقق این برنامه به مفهوم گامی جدی و تعیین کننده در تحقق کنترل جهان از سوی ایالات متحده است. کارزار انتخاباتی در ماه گذشته و عکس العمل ها در رابطه با نتایج آن شاید “رو در رویی” دو حزب را نشان دهد، اما در عمل نتیجه انتخابات گشاینده زمینه ی مناسبی برای ایجاد همکاری بین آنها شده است تا بتوانند در زمینه های مهم ژئوپلیتیکی برای آمریکا، برنامه هماهنگ و “موثرتری” را سازمان دهند.

رای مردم و زحمتکشان آمریکا در انتخابات میان دوره ای این کشور را نباید به حساب حمایت از “دموکرات” ها گذاشت. دمکرات ها هر چند در این یا آن زمینه، اختلافاتی با جمهوری خواهان دارند، در سیاست های کلان، تقریباً با یکدیگر هم عقیده هستند. این رای گیری در واقع اعتراض مردم به سیاست های خشن، جنگ طلبانه، ضد بشری و مخرب دولت بوش بود. سیاستی که پس از حادثه ی ۱۱ سپتامبر، روند خشن تر و جنگ طلبانه تری را بر سراسر جهان حاکم کرده است. مردم منجز از این روند، و تأثیر منفی آن بر زندگی شان، به این وسیله اعتراض خود را اعلام کردند. حرکتی آگاهانه که از سوی نیروهای مترقی، به ویژه سندیکاهای کارگری، سازماندهی و پشتیبانی شده بود. بنا به گفته ی جان سوئینی، رهبر مرکز سندیکایی AFL-CIO، در کنفرانس مطبوعاتی پس از انتخابات، “مبارزه ی کارگران در این انتخابات، آماده سازی تشکیلاتی برای تبدیل خشم و ناراضی کارگران به قدرت سیاسی بود. (مردم هفتگی، ارگان حزب کمونیست آمریکا، ۱۸ آبان ماه، ۹ نوامبر ۲۰۰۶).

مسئول فعالیت های سیاسی AFL-CIO، کارن آکرمن، نیز گفت “این تنها پیام کارگران نبود، بلکه تلاش “پیک” هایی بود که این هدف را قابل دسترسی کردند.... اعضای اتحادیه با یکدیگر صحبت کردند... ارتشی دویست هزار نفری (پیک های قابل اعتماد)، زنگ های ۸ میلیون خانه را به صدا در آوردند و با ۳۰ میلیون تماس تلفنی، خطوط تلفن را فعالانه به کار گرفتند” (همانجا).

این حرکت مردم آمریکا و شرایط شکل گرفتن آن، علاوه بر جمهوری خواهان، می تواند گوشزدی مبنی بر توانایی و قدرت مردم در تغییر روند جریانات و اثر گذاری بر وقایع. برای دمکرات ها نیز باشد. رای مردم آمریکا در واقع بیش از هر امری بیانگر خشم و نفرت آنها از سیاست های جنگ طلبانه و خشن دولت بوش بود.

صبح روز یکشنبه ۲۸ آبان ماه، ماموران امنیتی رژیم ولایت فقیه، بار دیگر منصوراصلنو، رییس هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه را بازداشت و روانه زندان ساختند. این فعال شناخته شده سندیکایی پیش از این به مدت هشت ماه در اسارت رژیم قرار داشت و چندی پیش با قرار وثیقه ۱۵۰ میلیون تومانی آزاد و در انتظار محاکمه در شعبه ۱۴ دادگاه انقلاب اسلامی بسر می برد.

بازداشت مجدد منصور اصلنو، آن هم به شکل ربودن وی از خیابان و شلیک تیر هوایی توسط ماموران برای ترساندن مردم، حرکتی از قبل برنامه ریزی شده و دقیق در اوضاع کنونی حاکم بر میهن ماست. ارتجاع حاکم در راستای یورش به منافع و حقوق طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان که اصلاح قانون کار به سود کلان سرمایه داران بخشی از آن قلمداد می شود، درصدد درهم شکستن مقاومت و اعتراضات رو به گسترش کارگران و زحمتکشان است.

در این خصوص دستگیری چهره های شناخته شده جنبش سندیکایی و افزایش فشار به آنها و به طور کلی ایجاد شرایط پلیسی توأم با وحشت دائمی، از زمره روش های اصلی در این برنامه ضد کارگری است. به علاوه، دستگیری رییس هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد درست اندکی پس از انتشار فراخوان برای اتحاد عمل گروه های مستقل کارگری کشور برای نقد و بررسی لایحه وزارت کار پیرامون اصلاح قانون کار که از سوی هیئت موسسان سندیکاهای کارگری که نهادهای مستقل، شناخته شده و قانونی است، صورت می گیرد و این حقیقت را نشان می دهد که رژیم ولایت فقیه و دولت بر گمارده شخص ولی فقیه، از رشد و گسترش نفوذ تشکل های واقعی و مستقل کارگری که اتفاقاً چارچوب قوانین موجود را رعایت می کنند، در هراس هستند و تمامی مساعی خود را برای مقابله با آنها به کار گرفته و می گیرند. در واقع دستگیری دو باره آقای اصلنو اختطاری از سوی ارتجاع به زحمتکشان و تشکل های مستقل صنفی آنان است!

گفتنی است که منصور اصلنو و تعداد دیگری از اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد در تاریخ ۱۸ آبان ماه بنابه دعوت رسمی برگزار کنندگان اجلاس منطقه ای (آسیا) سازمان بین المللی کار، که در شهر تبریز برگزار شد، با وجود مخالفت مسئولان حکومتی، شرکت کردند و متعاقب آن در اجلاس بعدی که در شهر کرمان برگزار گردید، بنابه خواست و تأکید نماینده سازمان بین المللی کار آقای اصلنو با سخنان خود جلسه را افتتاح کرد. به این ترتیب هیچ یک از فعالیت های سندیکای شرکت واحد و رییس هیئت مدیره آن، خارج از محدوده قوانین موجود نبوده و بازداشت مجدد وی اقدامی است غیر قانونی از سوی ارگان های امنیتی!

حزب توده ایران، افزایش فشار به فعالان سندیکایی و از جمله بازداشت غیر قانونی منصور اصلنو را به شدت محکوم کرده و خواستار اقدام فوری برای روشن شدن وضعیت او است. جنبش سندیکایی کارگران ایران تنها و تنها با اتحاد عمل می تواند در برابر ترغیب های ارتجاع مقاومت و از منافع زحمتکشان دفاع کند!

ادامه ابعاد هولناک فاجعه انسانی...

شهرهای بزرگ و به خصوص در مرکز عراق و انتقال آن ها به پایگاه هائی در خاک این کشور (از جمله در کردستان) و سپردن همه اقدامات امنیتی و نظامی به دولت کنونی به نخست وزیری نوری المالکی می باشد. طرفداران این "گزینه" مطرح می کنند که با سقوط صدام عملاً باید خود عراقی ها سرنوشت خود را تعیین کنند و آمریکا به عوض درگیر شدن در نزاع قدرت نیروهای سیاسی عراقی می بایست نگران تضمین منافع استراتژیک و دراز مدت خود باشد. برخی از سران دولت آمریکا قویاً با این گزینه مخالفند و اتخاذ آن را قبول شکست می دانند، و اینکه این گزینه با اعلام پیروزی در جنگ از سوی پرزیدنت جورج بوش به فاصله کوتاهی از سقوط بغداد و فروپاشی رژیم صدام حسین در فروردین ۱۳۸۲ همخوانی ندارد و می تواند مشکلاتی را در آینده متوجه طرح های استراتژیک دولت آمریکا برای خاورمیانه بکند.

"گزینه" سوم که از سوی شخصیت هائی نظیر مارگرت بکت، وزیر خارجه انگلستان، و هنری کیسینجر به احتمال مطرح شدن آن اشاره شده است، انتقال سریع عمده قدرت و اختیارات دولت مرکزی به مناطق سه گانه در کردستان، مناطق شیعه نشین در جنوب عراق و نهایتاً مناطق سنی نشین مرکز عراق می باشد. دولت مرکزی در بغداد بر اساس این گزینه عمدتاً تشریفاتی بوده و نقش چندانی در امور سه منطقه خودمختار با حق سیاستگزاری در عرصه های عمده نخواهد داشت. این "گزینه" در شرایط حاضر، بدون تاکید بر قبول وحدت و یکپارچگی عراق و روابط موجود بین نیروهای اصلی عمل کننده در بحران کنونی می تواند به تقسیم این کشور بر محور تفاوت های قومی و عقیدتی منجر شود، امری که مطمئناً تبعات جدی برای کشورهای همسایه عراق و تحولات آتی منطقه خواهد داشت.

اما "گزینه" ای که در هفته های اخیر به طور جدی در رسانه ها مورد توجه قرار گرفته و شواهدی در رابطه با برخی تلاش ها برای ارتقاء آن به مرکز توجه سیاست گذاران آمریکا و انگلستان صورت گرفته، به بازی گرفتن ایران و سوریه، دو کشور همسایه عراق است، که نفوذ مشخصی بر تحولات سه ساله اخیر داشته اند. طرفداران این گزینه معتقدند که با پیشبرد این گزینه هم امکان تاثیر گذاری بر آینده تحولات در عراق بیشتر می شود و هم اینکه عملاً دو کشور عمده سوریه و ایران نیز در چارچوب شکل گیری طرح آمریکائی "خاورمیانه بزرگ" حرکت خواهند کرد. ملاقات های قریب الوقوع بین روسای جمهور ایران، سوریه و عراق که به فاصله کمی پس از سفر رسمی وزیر خارجه سوریه به عراق و انعقاد روابط رسمی دیپلماتیک کامل بین سوریه و عراق پس از ۲۵ سال، اعلام شد، نمایشگر جدی بودن شانس مطرح شدن این "گزینه" است. گرچه می بایست به برخی سداها در این مسیر و از جمله روابط خصمانه بین تهران و واشنگتن، ناخشنودی اسرائیل از راه حل های صلح آمیز و مبتنی بر مذاکره در رابطه با ایران و سوریه، و همچنین نفوذ جناح های افراطی وابسته به انحصارات تسلیحاتی در دستگاه سیاست گذاری آمریکا توجه داشت.

راه حل نظامی وجود ندارد!

هنری کیسینجر، سیاستمدار کهنه کار آمریکا که زمانی وزیر خارجه این کشور بود، در مصاحبه ای با بی.بی.سی. در روز ۲۸ آبان ماه با صراحت اعلام کرد: پیروزی نظامی در عراق برای آمریکا ممکن نیست.

هنری کیسینجر که در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی از طراحان جنگ ویتنام بود، و در سال های اخیر در رابطه با جنگ عراق مورد مشورت جورج بوش قرار داشته است، همچنین مخالفت خود با پیشنهادهائی مبنی بر خروج سریع نیروهای نظامی آمریکا و متحدانش از عراق تصریح کرد. او متذکر شد که "سقوط یکپارچه عراق صرف نظر از اینکه ما در رابطه با شرایط کنونی این کشور چه فکر می کنیم، عواقب فاجعه باری خواهد داشت که ما بهای آن را برای سال ها خواهیم پرداخت."

کیسینجر از برگزاری یک کنفرانس بین المللی با شرکت اعضای دائمی شورای امنیت، کشورهای همسایه عراق و از جمله ایران، و قدرت های منطقه ای نظیر هند و پاکستان برای رایزنی در مورد یافتن راه برون رفت منطقه خاورمیانه از این بحران، پشتیبانی می کند. او که با "گروه مطالعات عراق" مذاکرات و بحث هائی داشته است، متذکر شد: "من فکر می کنم که باید مسیر را تعریف دوباره کنیم، ولیکن فکر نمی کنم که آلترناتیو بین پیروزی نظامی که قبلاً از آن سخن گفته می شد، و یا عقب نشینی کامل است."

جمع بندی مجموعه اطلاعات موجود در رابطه با بحران کنونی در عراق در اساس مؤلفه های زیر را برجسته می کند: با مشخص تر شدن عدم مقبولیت سیاست های حزب جمهوری خواه در جریان کارزار انتخابات میان دوره ای، سران برجسته نظامی و سیاسی آمریکا به طور فزاینده ای سعی به نوعی فاصله گیری از سیاست کنونی دولت بوش در رابطه با عراق از سوئی، و از سوی دیگر انداختن عمده تقصیر ها در رابطه با شرایط امنیتی اسفبار این کشور به گردن دولت کنونی به نخست وزیری نوری المالکی خواهند داشت.

نتیجه این امر به نوعی قبول این واقعیت خواهد بود که کنترل سیستم امنیتی - نظامی به طور سریع تری تحویل دولت عراق بشود. این امر همچنین از این نظر اهمیت دارد که شورای امنیت قرار است تا پایان سال جاری میلادی (۱۰ دی ماه) در رابطه با تجدید مصوبه مربوط به حضور نیروهای اشغالگر آمریکائی و متحدانش تصمیم گیری کند. گرچه یک خروج فوری نیروهای آمریکائی در دستور کار نخواهد بود، اما از هم اکنون مشخص است که برای افکار عمومی آمریکا و جهان نیز این که نیرو های اشغال گر بدون هیچ محدودیت زمانی در عراق باقی بمانند، قابل قبول نیست.

البته این را باید اذعان داشت که تا کنون هیچ نشانه ای دال بر تغییر استراتژی دولت بوش در رابطه با عراق وجود ندارد، آنچه مشهود است برخی جابجایی ها و تغییرات تاکتیکی می باشد. اظهارات جورج بوش در مصاحبه های مطبوعاتی خود و همچنین کنفرانس ویدئویی که با نوری المالکی، نخست وزیر عراق، داشت تأیید کننده این ارزیابی می باشد. ایالات متحده آمریکا همچنان مصرانه به سیاست استراتژیک خود در رابطه با کسب هژمونی همه جانبه بر منطقه خاورمیانه ادامه خواهد داد. تنها راه مسدود کردن مسیر این سیاست استقلال برپا ده، فقر آفرین و اسارت بار، سازماندهی جنبش مردمی بر حول پرچم مبارزه آگاهانه و متشکل برای خواست های ملی، صلح طلبانه، دموکراتیک، عدالت خواهانه و طرفدار آزادی است. باید در مبارزه ای هدفمند و همه جانبه میدان عمل را از نیروهای ارتجاعی، وابستگان امپریالیسم و منادیان واپس گرای بی را گرفت و به توده های آگاه و متشکل سپرد. این نبردی است حیاتی و ضروری که احزاب کمونیست کشورهای خاورمیانه مکرراً تعهد خود را بدان اعلام کرده اند.

ادامه حزب توده ایران و انتخابات ...

“نظارت” اجازه ندهد نامزدهای مستقل و ملی در این انتخابات فرصت شرکت پیدا کنند. رد صلاحیت بسیاری از نامزدهای مستقل در شهرهای گوناگون کشور جای شک و تردیدی درباره نقشه های ارتجاع برای برگزاری این انتخابات نمی گذارد. این رد صلاحیت های گسترده نشانگر ماهیت ضد دموکراتیک روند انتخابات آینده است که ارتجاع با بهره جویی از شرایط کشور به جنبش تحمیل کرده است. بدیهی است که باید تلاش کرد تا با بسیج نیروهای مردمی به این اعمال غیر قانونی شدیداً اعتراض کرد.

بدین ترتیب اصل شرکت سراسری در انتخابات شوراهای شهر و روستا در کشور، در شرایطی که در شماری از شهرها و روستاهای کشور نماینده بی جز کارگزاران ارتجاع در صحنه باقی نمانده اند، منتفی است. اما مسأله قابل تأمل دیگر اصل بهره وری از انتخابات شوراهای سازمان دهی مبارزه سیاسی بر ضد ارتجاع حاکم است. امروز همه تلاش ارتجاع متوجه دلسرد کردن وسیع توده ها، بی ثمر نشان دادن تلاش ها و جلوگیری از بازگشت نیروهای مردمی به صحنه مبارزه است. اگر ارتجاع در این امر موفق شود جنبش بیش از پیش از این روند متضرر خواهد شد. به گمان ما می توان از شرایط بسیار محدود کنونی برای بسیج توده ها و به منظور مقابله با نقشه های ارتجاع بهره جست. اگر می توان در منطقه ای نامزدهای مترجعان حاکم را با شکست روبه رو کرد این تلاش می تواند زمینه ساز حرکت های بعدی و ایجاد روحیه برای جنبش باشد. درس بزرگ انتخابات ریاست جمهوری گذشته این بود که با ادامه انشقاق، بی عملی و سرد شدن در صحنه مبارزه دشوار و طولانی با ارتجاع مصمم و سازمان یافته نمی توان امر مبارزه مردمی برای طرد استبداد را به جلو برد. امروز نیز باید با توجه به شرایط بسیار دشوار تحمیل شده از سوی ارتجاع همه تلاش ها را برای سازمان دهی توده ها و گسترش مبارزه واحد و مشترک بر ضد ارتجاع به کار گرفت و در هر کجا که می توان نامزدهای ارتجاع را با شکست روبه رو کرد و نماینده رد صلاحیت نشده و مردمی بی را انتخاب کرد، این ضربه را به نیروهای تاریک اندیش وارد ساخت. اگر چه بخشی از توده ها بر اساس تجربیات هشت سال گذشته خود شرکت کردن در چنین عرصه هایی را در مجموع کم ثمر می دانند، ولی معذالک باید از همه امکانات و شرایط تحمیل شده به ارتجاع برای سازمان دهی مشترک نبرد ضد استبدادی بهره جست و برنامه های سران رژیم ولایت فقیه را با دشواری و شکست روبه رو کرد. گام های حتی کوچک می تواند زمینه ساز تجربیات گرانبهای مبارزه مشترک و سرانجام راه گشای مبارزه سراسری ای گردد که به طرد رژیم ولایت فقیه و پیروزی جنبش مردمی بینجامد.

توانستند با بهره گیری از دلسردی توده ها و انشقاق و عدم عملکرد مشترک نیروهای مدافع اصلاحات و آزادی، در دومین دور انتخابات شوراهای شهر و روستا را در بسیاری از مناطق زیر کنترل خود در آورند. عملکرد شورای شهر تهران تحت نظر مرتجعانی همچون احمدی نژاد و سپس قالیباف نمونه روشنی از سوء استفاده های نیروهای ارتجاعی از اهرم های بدست آمده بود. دومین دوره انتخابات شوراهای در واقع میدان تمرین ارتجاع برای به دست گرفتن کنترل مجلس، در هفتمین دوره انتخابات و سپس برگزاری انتخابات ریاست جمهوری پر تقلبی بود که از طریق آن احمدی نژاد به پست ریاست جمهوری برگمارده گردید و حیات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور به سمت هر چه بیشتر نظامی - امنیتی شدن سوق داده شد.

با گذشت بیش از یک سال از حکومت دولت نظامی - امنیتی و عمیقاً ضد مردمی احمدی نژاد، مردم میهن ما بیش از پیش به دروغ بودن قول های انتخاباتی مترجعان و فریب کاری آنها و پنهان شدن پشت شعارهایی همچون “دولت مهرورزی” و یا رسیدگی به “امور محرومان” بی برده اند و بدتر شدن شرایط و تشدید فشارهای اقتصادی، اجتماعی را با گوشت و پوست خود لمس کرده اند. یورش به حقوق بسیار محدود کارگران و زحمتکشان، تشدید روند خصوصی سازی، سرکوب تشکل های مستقل کارگری و تشدید موج فشارها به کادرهای فعال کارگری، در کنار تهاجم وسیع به دانشگاه ها و جنبش دانشجویی کشور، یورش به رسانه های مستقل از ارتجاع و به گسیل گروه های چاقو کش برای ارباب زنان مبارز کشور، بخشی از برنامه هایی است که مترجعان حاکم در بیش از یک سال گذشته به پیش برده اند و دشواری های فراوانی را برای جنبش مردمی و مبارزان راه آزادی کشور پدید آورده اند.

حزب توده ایران در جریان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری گذشته با برشمردن خطرات جدی ای که میهن ما را از ناحیه برنامه های ارتجاع، برای کنترل انحصاری همه نهادهای حکومتی و قانون گذاری تهدید می کند، از همه آزادی خواهان میهن خواست که با تلاش مشترک نگذارند ارتجاع در تحقق برنامه هایش موفق گردد. این هشدار و فراخوان ها از سوی شماری از نیروهای سیاسی و اجتماعی کشور نادیده گرفته شد و کارزار تبلیغاتی با شعارهای غیر واقع بینانه تحریم، جای اتخاذ سیاست های منطقی و کارآمد برای مقابله با ارتجاع را گرفت. روشن است که اگر همه این نیروها به بررسی منصفانه حوادث ماه های پس از روی کار آمدن دولت احمدی نژاد بپردازند، به درستی تحلیل های ارائه شده در زمینه ضرورت تلاش مشترک برای شکست ارتجاع بی می برند، و تلاش های خود را بیش از پیش برای بر طرف کردن کمبود های جنبش یعنی ایجاد یک جبهه وسیع ضد دیکتاتوری متوجه خواهند کرد.

از فردای اعلام برگزاری انتخابات شوراهای و نام نویسی ده ها هزار نامزد انتخاباتی حوادث مهمی رخ داده است که نمی تواند در ماهیت و چگونگی برگزاری انتخابات آتی شوراهای موثر نباشد. روشن است که ارتجاع با بهره گیری از تجربه انتخابات هفتمین دوره مجلس و همچنین انتخابات ریاست جمهوری مترصد است تا با توسل به اصل

ادامه ابعاد هولناک فاجعه انسانی...

با دشواری های عمده ای روبروست و حتی برخی ها معتقدند که شکست خورده است. این در شرایطی است که سران برجسته امنیتی-نظامی رژیم پیشین توانسته اند که با بهره جویی از تضاد های داخلی، مواضع کشورهای منطقه و سیاست آمریکا، نیروهای تحت کنترل خود را تجدید سازمان کنند. تحریک و دامن زدن به درگیری های فرقه ای و بین قومی یکی از موثرترین تاکتیک های مورد بهره برداری گروه های تروریستی برای بی ثبات کردن روند سیاسی و دست یابی به اهداف سیاسی شان بوده است. موفقیت آنان (که با کشتار جمعی، پاکسازی های منطقه ای و نقل و مکان وسیع مردم اندازه گیری می شود) از زمان بمب گذاری مسجد عسکری در سمارة در بهمن ماه گذشته (فوریه)، آنان را تشویق کرده که این تاکتیک را ادامه داده و گسترش دهند. آن ها عمدتاً بغداد را که ساکنان آن هم شیعه و هم سنی اند، و منطقه دیاله در شمال را هدف قرار داده اند.

اوج گیری خشونت، مخصوصاً وجهی از آن که توسط نیروهای بعثی هدایت می شود، با توجه به اهمیت انتخابات میان دوره ای کنگره آمریکا، متزلزل بودن موقعیت دولت بوش و با هدف تاثیر گذاری بر آن، در هفته های منتهی به نیمه آبانماه، به طور فزاینده ای نیروهای آمریکایی را هدف قرار داده است. گردانندگان این حملات بر این باورند که آمریکایی ها تحت فشار داخلی در آمریکا و با گسترش خواست افکار عمومی برای تعیین یک استراتژی خروج، حاضر خواهند شد که در برنامه های آتی خود برای عراق آن ها را نیز در نظر بگیرند. آن ها کانال های ارتباطی و واسطه های جدیدی با آمریکائیان را برای این منظور ایجاد کرده اند. یک هدف عمده اولیه این است که طرح "آشتی ملی" را که توسط نخست وزیر عراق، نوری المالکی اعلام شده و از حمایت وسیع سیاسی و مردمی برخوردار است، به شکست بکشاند. مطالعه نقطه نظرهای نیروهای سیاسی عمده عراق که تشکیل دهنده دولت کنونی اند فاش می کند که آن ها انتقاد های فزاینده ای به سیاست نظامی و امنیتی آمریکا دارند. منتقدان به طور فزاینده ای بر این باورند که آمریکا سعی دارد، که به منظور حفظ کنترل آتی عراق، موازنه مشخصی بین نیروهای دولت و مخالفان روند سیاسی وجود داشته باشد.

"گزینه" های آمریکا؟

همزمان با اوج گیری جنبش ضد جنگ در آمریکا و اروپا و مشخص شدن این حقیقت که بخش عمده ای از افکار عمومی جهان مخالف ادامه سیاست نظامی آمریکا و انگلستان در عراق و خاورمیانه می باشند، گزارش هایی در مورد نتایج تحقیق یک گروه عالی رتبه از سیاستمداران آمریکایی، به رهبری جیمز بیکر (وزیر خارجه دولت آمریکا در اوایل دهه ۱۹۹۰) در رسانه های جمعی منتشر شد. رقابت های سیاسی در آمریکا بین دو حزب جمهوریخواه و دموکرات به ویژه در سه ماه اخیر، عدم محبوبیت جورج بوش و کارزار انتخابات میان دوره ای کنگره آمریکا باعث شده است که عراق به یک مسئله کلیدی داخلی ایالات متحده تبدیل شود. شکست برنامه های دولت کنونی در رابطه با عراق و بالا گرفتن موج تلفات نیروهای آمریکایی (نزدیک به ۳۰۰۰ کشته) بحث داغی را در مورد ضرورت تجدید نظر در سیاست کنونی نه فقط در رسانه ها بلکه در میان سران نظامی مشهور آمریکا به راه انداخته است. انتقاد از دونالد

رامسفلد، وزیر دفاع دولت بوش و از مهره های کلیدی گروه محافظه کاران نوین، از مدت ها قبل در میان سیاستمداران دموکرات و جمهوریخواه و حتی ژنرال های بازنشسته ارتش آمریکا رواج داشته است. حتی برخی از "محافظه کاران نوین" و از جمله ریچارد پرل که خود از مشوقان اصلی دولت بوش به تجاوز و اشغال عراق و در زمره طراحان آن بوده اند، اکنون با مشخص تر شدن ابعاد دشواری ها در کنترل اوضاع، سعی دارند حساب خود را از مجریان کنونی سیاست دولت آمریکا جدا کنند.

در پاسخ به چنین جوی است که رابرت گیتس، وزیر دفاع جدید آمریکا، سعی داشته است خود را مدافع یک "تغییر استراتژی" در رابطه با سیاست این کشور در عراق نشان بدهد و به شکلی زیرکانه مسیر برنامه های آتی خود را در رابطه با انتشار نتایج تحقیقات "گروه مطالعات عراق" که بیش از شش ماه در این رابطه فعالیت داشته، جلوه دهد. جالب توجه آنکه در کارنامه سیاسی وزیر دفاع جدید به مسئولیت طولانی او در هدایت سازمان سیا و همچنین اینکه رابرت گیتس از مهره های طراح برنامه "ایران - کنتر" (ایران گیت) بوده، به طور مشخصی اشاره می شود.

هدف دولت بوش از ایجاد "گروه مطالعات عراق" در ماه مارس (اسفندماه ۱۳۸۴) تحت رهبری جیمز بیکر، از سیاستمداران مجرب جمهوری خواه، و "لی اچ. هامیلتون" از حزب دموکرات که تجربه ریاست کمیسیون روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا را یدک می کشد، از یک سو کاهش فشار های داخلی در رابطه با اعلام یک برنامه زمان بندی شده برای ساماندهی به ماجراجویی در عراق و از سوی دیگر مطالعه گزینه های ممکن در رابطه با درگیری های این کشور بود.

گزارش های مطبوعات و رسانه های غربی در رابطه با جمع بندی های "گروه مطالعات عراق" که در جریان کار خود با شخصیت هایی نظیر تونی بلر، هنری کیسینجر و سران کنونی سیاست گذاری آمریکا گفتگو و تبادل نظر کرده است، به "گزینه" های متعددی در رابطه با آینده سیاست آمریکا در این کشور و به تبع آن در خاورمیانه اشاره می کنند. مشخصه های اصلی برخی از این "گزینه" ها به لحاظ تاثیراتی که می توانند بر تحولات منطقه و از جمله ایران داشته باشند، شایسته توجه اند. یک "گزینه" که در محافل مطلع مطرح بوده است عمدتاً متوجه تامین "ثبات" برای عراق بدون توجه جدی به مسئله آینده دموکراسی و روند سیاسی حاضر در این کشور است. این "گزینه" متوجه متمرکز کردن عملیات نظامی در بغداد برای کنترل پایتخت، همراه با کوشش برای حصول یک تفاهم سیاسی با مخالفان سنی و بعثی می باشد. پیشبرد این "گزینه" احتمالاً به سقوط دولت "وحدت ملی" نوری المالکی، نخست وزیر کنونی، و به قدرت رسیدن یک مهره مقتدر، احتمالاً نظامی، که هم در حزب بعث پایگاه داشته باشد (از رهبران سابق آن، که مخالف صدام حسین بودند) و هم شیعه مذهب باشد که نگرانی مخرب نیروهای وابسته به احزاب اسلامی شیعه را بر نیانگیزد، خواهد انجامید. محصول این "گزینه" ایجاد یک رژیم با مشت آهنین، تعطیل روند دموکراتیزه کردن و تفاهم با نیروهای سنی مخالف روند کنونی، و تقلیل نفوذ ایران و کشورهای همسایه در عراق می باشد. پیش بینی می شود در فاز اول این گزینه ممکن است ضروری شود که تا ۲۰۰۰ نفر به تعداد نظامیان آمریکایی افزوده شود. طرفداران این گزینه بر این باورند که در صورت اتخاذ این "گزینه" بخش های اصلی ارتش بعثی سابق می تواند جذب شود و این خود عامل موازنه ای خواهد بود در مقابل نیروهای اسلامی شیعه که اکنون قدرت را در دست دارند. شواهدی در دست است که ایالات متحده از هم اکنون مذاکراتی را با برخی از نیروهای سنی و بعثی مخالف دولت حاضر انجام داده است.

"گزینه" دوم در عمل خارج کردن نیروهای آمریکایی از بغداد و

ابعاد هولناک فاجعه انسانی در عراق

وابسته به جناح های سیاسی با نفوذ در ساختار قدرت و امتناع نخست وزیر، نوری المالکی، از اقدام مشخص و قاطع در انحلال چنین ساختارهایی، بر رغم اینکه او قبلاً مصمم بودن خود به چنین امری را اعلام کرده بود، اکنون به عامل مهمی برای سوق دادن عراق به چنگال یک جنگ خونین داخلی تبدیل شده است. اگر چه او مدعی است که می خواهد ابتدا همه طرق صلح آمیز برای برخورد با این مسئله را به کار بگیرد، مردد بودن او در واقع به دلیل ائتلافی است که بین

دقیق فاکت های مربوط به تحولات اخیر افشا گر این واقعیت است که به موازات سهم نیروهای افراطی در دو سوی درگیری سنی- شیعه، و همچنین نیروهای منسوب به "القاعده"، محافل مشخص و قدرتمندی در ایالات متحده نیز منافع خاصی در ادامه وضعیت کنونی دارند. این محافل که در طول سه ساله گذشته

اوج گیری درگیری ها در عراق و تشدید حملات خونین نیروهای مسلح وابسته به گروه های شیعه- سنی به رقبای خود در هفته های اخیر سخن از شروع یک جنگ داخلی تمام عیار و یا امکان خروج "زودرس" نیروهای اشغالگر آمریکایی- انگلیسی از عراق را در محافل سیاسی رواج داده است. کشته شدن بیش از ۱۰۰ نظامی آمریکایی در طول ماه اکتبر (که بیشترین تلفات نیروهای آمریکایی در یک ماه محسوب می شود)، گسترش مخالفت افکار عمومی آمریکا و اروپا با ادامه حضور نظامی در عراق که در انگلستان به فشار به تونی بلیر برای کناره گیری از مقام خود و در ایالات متحده به شکست سخت حزب جمهوری خواه در انتخابات میان دوره ای کنگره آمریکا و کنار گذاشته شدن دونالد رامسفلد، معمار اصلی جنگ عراق، منجر شده است، مسئله آینده سیاست آمریکا در عراق را به صدر لیست مسائل مورد بحث عمومی و رسانه های جمعی انتقال داده است.



رهبر حزب الدعوه، ابراهیم الجعفری نخست وزیر پیشین، و مقتدی الصدر، و میلیشیای او به نام ارتش مهدی، ایجاد شده است.

درگیری های فرقه ای جو مناسبی را برای دیگر نیروهای تروریستی وابسته به بعضی های سابق (که تحت نام ها و پوشش های مختلف اما عمدتاً با رنگ های اسلامی عمل می کنند) ایجاد کرده که عملیات خود را گسترش دهند. شواهد متعددی از نفوذ عوامل امنیتی و اطلاعاتی رژیم صدام نه فقط در گروه های گوناگون "مذهبی" (هم شیعه و هم سنی و از جمله ارتش مهدی) بلکه علاوه بر آن، در نیروهای امنیتی جدید (ارتش و پلیس و ...) وجود دارد. دولت آمریکا اکنون خود تلویحاً اذعان می کند که پروژه باز سازی نیروهای نظامی- امنیتی کشور تحت رهبری آمریکا که عمدتاً در سه سال گذشته و بعد از انحلال ارتش قدیمی عراق در جریان بوده، عملاً

نتوانسته اند مهره های مورد اعتماد خود را به قدرت دولتی برسانند، و از ترکیب کنونی قدرت در عراق ناراضی اند، سعی خواهند کرد که با ادامه شرایط فاجعه بار حاضر به موازات توجیه اشغال و دائمی کردن آن (در اشکال کم هزینه تر) آینده سیاسی عراق را به شکلی سازمان دهی کنند که این کشور هیچ گاه به تهدیدی برای منافع کلیدی ایالات متحده بدل نشود.

گسترش خشونت به نفع کیست؟

تشدید خشونت در عراق، که بیشتر و بیشتر شکل فرقه ای و بین قومی می گیرد، در واقع مبارزه ای است بر سر قدرت و نفوذ در بین نیروهای سیاسی عمدتاً اسلامی که وابستگی های مشخص به قدرت های منطقه ای و همچنین کشورهای امپریالیستی دارند. این وضعیت به دلیل عملکرد میلیشیای مسلح

آنچه که مهم است توجه به جهت اصلی سیاست های استراتژیک ایالات متحده آمریکا در رابطه با منطقه خاورمیانه، یعنی حفظ و تثبیت هژمونی همه جانبه آن بر منطقه و این امری است که هیچ گاه نباید چند وجهی بودن آن را از نظر دور داشت. واقعیت این است که ادامه عملیات تروریستی، عملکرد گروه های مسلح وابسته به بلوک های عمده سیاسی، برخوردهای انتقام جویانه و عکس العملی به موازات کشتار روزانه ده ها تن از مردم بیگناه، و اینکه عراق در آستانه جنگ داخلی و زیر سؤال رفتن آینده وحدت ارضی آن قرار گرفته، تا چه حدی می تواند مورد بهره برداری دولت آمریکا و توجیه سیاست های آن قرار بگیرد. مطالعه

ادامه در صفحه ۱۱

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس های پستی: 1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
آدرس های اینترنت و "ای-میل" "http://www.tudehpartyiran.org"
E-Mail: dabirkhaneh_hti@yahoo.de

23 November 2006

شماره فاکس و تلفن
پیام گیر ما

۰۰۴۹۳۰
۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام IRANe.V.
شماره حساب 790020580
کد بانک 10050000
بانک Berliner Sparkasse

Nameh Mardom No. 752
Central Organ of the Tudeh Party of Iran